

نهضت ملی شدن صنعت نفت و حکومت دکتر مصدق(2)

اصلاحات دکتر مصدق

ملی شدن نفت از ماهیت دوگانه اقتصادی و سیاسی برخوردار بود. از بعد اقتصادی ملی شدن نفت به معنای پایان سلطه دولت بریتانیا و شرکت‌های نفتی بر نفت ایران و غارت ثروت ملی ایرانیان به‌شمار می‌رفت. از این منظر در نتیجه این اقدام ایران می‌توانست با فروش نفت خود، درآمد حاصله را در رشد و آبادانی ایران به کار گیرد. اما ملی شدن علاوه بر منظر اقتصادی، از نظر سیاسی نیز حائز اهمیت و به عبارتی اهمیت بیشتر بود. چرا که این اقدام به معنای استقلال سیاسی و کوتاه کردن دست انگلیس از دخالت در امور داخلی ایران به‌شمار می‌رفت. واقعیت این است که هم مخالفان ملی شدن و هم موافقان در ابتدای امر برای بعد سیاسی بیش از بعد اقتصادی اهمیت قائل بودند. این مساله به طور طبیعی یک دوقطبی را در میان احزاب و سیاستمداران، در درون جبهه ملی و طرفدارانش و در بخش‌هایی از جامعه پدید آورد.

مخالفان ملی شدن نفت که طیف وسیعی از وابستگان فکری و عوامل مستقیم غرب را تشکیل می‌دادند و در طول سالیان حضور استعمار در ایران از همراهی و همکاری با آن به سود خود و به زیان مردم سودبرده بودند، از این اقدام برآشفتنده و با حمله به اصل ملی شدن و رهبران نهضت به مقابله با آن برخاستند.

این گروه چه پیش از تصویب آن، چه در دوران حکومت دکتر مصدق و چه حتی بعد از سقوط دکتر مصدق بر این باور بودند که مقابله با امپراتوری بریتانیا که حمایت و همراهی جهان سرمایه‌داری را با خود به همراه دارد امکان‌پذیر نیست. علاوه بر آن این گروه معتقد بودند که ایران نیازمند به درآمدهای نفتی برای اداره کشور است و بدون نفت و درآمدهای نفتی امکان ادامه حیات را نخواهد داشت و ملی کردن صنعت نفت اقدامی اشتباه است. این تحلیل‌ها حتی امروز بعد از گذشت هفتادسال از ملی شدن نفت و شصت و هفت سال بعد از کودتا هنوز هم در میان شیفتگان و سرسپردگان سرمایه‌داری جهانی، دلباختگان سلطنت و استبداد و گروهی از روشنفکران یا غیر روشنفکران نظیر روحانیون که عاجز از تحلیل شرایط سیاسی جهان و ایران هستند ادامه دارد. هنوز هم عده‌ای بر این باورند که نباید با اربابان جهان در افتاد و از این دست تحلیل‌های دوراندیشانه و مصلحت‌گرایانه!

اما در این سو و در صف موافقان نهضت هم موضوع غلبه بر استعمار پیر انگلستان طبیعتاً جنبه غالب نهضت به‌شمار می‌رفت. این بعد آن قدر قوی بود که حتی جنبه‌های مادی و اقتصادی این اقدام را تحت الشعاع قرار می‌داد.

عظمت شکست دولت بریتانیا آن هم در حالی که از پیروزی نیروهای متفقین و انگلستان در جنگ دوم جهانی کمتر از یک دهه می‌گذشت نه تنها مردم عادی حتی رهبران نهضت را نیز تحت تاثیر قرار داده بود و این تاثیر تا به آنجا بود که شاید کمتر کسی به فکر پیامدهای آن به ویژه از نظر اقتصادی بود. از نگاه همگان بعد از شکست انگلستان به تدریج همه چیز به طور خود به خود به روال عادی در خواهد آمد. از نگاه آنها جهان و از جمله انگلستان به نفت ایران نیاز حیاتی دارند و مجبور به پذیرش ملی شدن، و خرید نفت از ایران خواهد بود.

رهبران نهضت ملی شدن تا پاییز 1330 تاثیر قطع صدور نفت بر شرایط اقتصادی ایران را یا مردود می شمردند و یا آن که اصولاً آن را ناممکن می دانستند به عنوان مثال حسین مکی از رهبران جبهه ملی در این باره گفت: "دنیای امروز 30 میلیون تن نفت را نمی تواند از جای دیگر استخراج کند... مجبور هستند اگر تنی 50 لیتر هم شده پول بدهند و ما استخراج کنیم" (در آن زمان قیمت هرتن نفت 5 لیتره استرلینگ بود). مظفر بقایی نیز معتقد بود: " به شما قول می دهم که اسکله های بنادر ما مثل دکان های نانوایی ... کشتی ها برای بردن نفت خواهند آمد ."

دکتر مصدق هم در 26 آذر 1329 در این باره در مجلس گفت: " حقیقت این است که ایران دچار هیچ گونه ضرر اقتصادی و ارزی در اثر ملی کردن نفت نخواهد شد "

این استدلال ها چه در پاسخ به مخالفان ملی شدن صنعت نفت بیان می شد و چه واقعا اعتقاد و باور آنها بود در عرصه عمل به بی توجهی دولت دکتر مصدق و رهبران جبهه ملی در ابتدای کار ملی شدن به اقتصاد خود را نمایان ساخت . در برنامه دولت دکتر مصدق که به هنگام معرفی دولت به مجلس ارائه شد فقط اجرای قانون ملی شدن نفت و اصلاح قانون انتخابات به عنوان برنامه دولت ذکر شده بود و سخنی در باره برنامه های اقتصادی دولت به میان نیامده بود . در اولین سخنرانی دکتر مصدق که از رادیو پخش شد از مردم و به ویژه ارباب قلم و روزنامه نگاران و نیز کارگران درخواست شده بود که در حفظ آرامش کشور تلاش کنند. تصور همگان و ظاهراً رهبران جبهه ملی چنین بود که با ملی شدن همه چیز خودبه خود درست خواهد شد. درست مانند تصویری که در سال 57 وجود داشت که با رفتن شاه همه چیز به طور خودکار درست خواهد شد . بحث و سخنی درباره این که چگونه و با کدام فکر و اندیشه و اجرای کدام برنامه، در میان نبود .

این نگاه سبب شد تا به نوشته انور خامه ای تا مرداد 1330 همه چیز به روال سابق پیش رفت و سیاست های غلط اقتصادی سابق ادامه یافت . به نوشته خامه ای: " .. دولت هنوز ... امکان خرید نفت از جانب شرکت نفت انگلیس را کاملاً منتفی نمی دانست در نتیجه سیاست های غلط مالی ادامه یافت. بازرگانی خارجی به صورت بی بندوبار سابق ادامه می یابد و بخشی از ذخیره ناچیز ارز به مصرف وارد کردن کالاهای غیر ضروری می رسد.

عمر این دیدگاه بسیار کوتاه بود . از اوایل مرداد 1330 با آشکار شدن پیامدهای اقتصادی ملی کردن نفت، ذهن و اندیشه دولت دکتر مصدق به این مساله معطوف شد که برای مقابله و ایستادگی در برابر جهان سرمایه داری باید با شیوه و راهکار های دیگری به مقابله با شرایط رفت و برنامه ای همه جانبه در زمینه های اقتصادی ، سیاسی و سیاست خارجی تدارک دید. بنابراین دولت دست به کار شد و برنامه های جدیدی در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی ، ساختاری و ... ، تهیه و به مورد اجرا گزارد .